

ریاضی هروی

محمد یوسف ریاضی بن محمد حسن از شاعران و مورخان افغانستان در ربع اول سده ۱۴ هجری قمری است که اثر مطبوع و نسبتاً مهمی در تاریخ افغانستان از وی بجای مانده است او اصلاً از طایفه ابدالی بوده و نسبت خود را به هفت واسطه به حیات سلطان مشهور بفیروز خان ارتباط داده است که در ۱۰۱۵ هجری امارت ابدالی را داشته و بعد از انقراض سلطنت وی، خانواده اش در شهر هرات مسکن گزین گردیده اند.

ریاضی با وصف داشتن اثر مطبوعی در تاریخ کشور، تا کنون بخوبی شناخته نشده و اثرش نسبت کمیابی نسخ و شاید هم علل دیگری مورد استفاده همگان قرار نداشته و بهره گیری لازم از آن بعمل نیامده است.

او در ۱۲۸۸ تا ۱۲۸۹ هجری قمری در هرات پانصد هشتی گذارد و مطابق معمول آن عهد مدتی از سالهای کردگی را به تحصیل و کسب دانشی های آن روز بر داخ و پدرش که مردی صاحب شغل و مقام دیوانی بود در تربیت او هر گونه کوشش و مجاهدتی را روا داشت.

در ۱۳۰۰ هجری که ریاضی ۱۲ سال داشت با پدرش که در آن موقع مناصب و مشاغل دیوانی را ترک گفته بود سفری بایران و عراق کرد و مدت هفت ماه در کشورهای مذکور بگردش و سیاحت پرداخت و از مشاهده عالی کسب فیض نمود و پس از بازگشت ازین سفر دوباره بتحصیل علم همت گماشت منجمله در علم جغرافیه و فنون نظامی شایستگی و لیاقتی بهم رسانید، او از کسب فنون نظامی امید آن داشت که روزی بمناصب عالیه دولتی نایل گردد و در جامعه مردم سرشناسی شناخته شود،

در عهد امیر عبدالرحمن خان خانواده محمد حسن (پدر ریاضی) در اثر سعایت بدخواهان مورد اتهام قرار گرفت و در ۱۳۰۹ چند تن از ایشان زندانی و دو تن بقتل رسانیده شدند

ور ریاضی درین فرصت بایران عزیمت نمود در ۱۳۱۱ بهرات مراجعت و در همین سال ازدواج کرد و بعد از چندی محکوم بحبس گردید، پس از رهائی مجدداً بایران سفر نمود و بدین ترتیب در طی چند سال چندین بار از هرات بمشهد و بالعکس مسافرت‌های بعمل آورد و چند بار هم بمهلکه گرفتار آمد و مورد سوء قصد قرار گرفت ولی از همه نجات یافت و زندگی ریاضی آنطور که خود بیان داشته ماجراهای بسیار شنیدنی و جالبی دارد که اینجا مجال ذکر آن نیست.

اثری که از ریاضی بجای مانده کتابیست بنام (بحر الفوائد) که شامل دو اوزده بخش است و در ۵۷۲ صفحه به قطع بزرگ و حروف سنگی در سال ۱۳۲۴ هجری یا کمی بعدتر از آن (یعنی حدود پنجاه و پنج سال قبل از امروز) در شهر مشهد بچاپ رسیده و مؤلف در آن هنگام در قید حیات بوده است.

این کتاب اگرچه از لحاظ رسائی انشاء و شیوه نگارش دارای اهمیت زیاد نیست ولی از جهت افاده مطالب و بیان وقایع هیچگونه نارسائی ندارد و عبارات نامفهوم و نامربوطی که بموضوع کتاب صدمه وارد کند تقریباً در آن بنظر نمیرسد و رو به مرفته مطالب آن بصورت بسیار ساده و بدون پیچیدگی بیان شده است و هم ازین جهت که بسیاری از وقایع و رویدادها را مؤلف بچشم دیده و در کتاب خود ثبت کرده و کدام اجباری هم در جانب داری از فرد یادسته ای نداشته است کتاب مذکور مورد اعتبار و از لحاظ استناد بوقایع مندرجه آن، درخور اعتماد است.

در تاریخ سلسله محمد زائی مطالب زیادی را که از مؤرخان دیگر فوت شده و یا از آنها طور سطحی گذشته اند درین کتاب میتوان بدست آورد و زاویه های تاریک تاریخ معاصر را روشن کرد.

بخش های دوازده گانه کتاب بحر الفوائد در ریاض و بترتیب ازینقرار است:

۱- بیان الواقع - شامل سرگذشت مؤلف که از ۱۳۰۹ آغاز و به ۱۳۲۲ هجری قمری انجام می پذیرد.

۲- ضیاء المعرفه - شتمل بر چند حکایت و شرحی راجع بمعرفی بعضی از بلاد افغانستان مانند: کابل، غزنین، جلال آباد، قندهار، هرات، بربرستان (هزاره جات) ترکستان اوزبک (مزار شریف و قطغن)، بدخشان و همچنین شرحی در چگونگی موقف افغانستان در برابر دول همسایه.

درین فصل پس از بیان مقدمه و حکایات، معرفی شهر کابل بدینگونه آغاز میگردد:
 و مملکت افغانستان بهترین ممالک کره ارض و در خاک آسیا واقع است و دارای چندین
 بلاد عظیم و قصبه های نامی، که آب و هوای چند نقطه آن سالم ترین تمام آب و هوا
 است اول شهر خوش آب و هوای افغانستان کابل است و این شهر در اول حدود سرحدی
 هندوستان واقع است و کوه سار عظیمه، ارتفاع دارد، میوه رفوا که آن بلده در هیچ بلدی
 از بلاد دیده نشده ...

و بدین ترتیب چند نوع از میوه های کابل را با صفات و خاصیت آن معرفی میکنند و بعد
 بندگی موقعیت شهر کابل و کوه ها و دریا و مزارات و تعداد نفوس و خصوصیات اخلاقی
 و رسوم مردم آن می بردارد

۳- عین الوقایع - عین الوقایع مهمترین و در عین حال مشروحترین بخش از کتاب
 بحر الفوائد است درین بخش که شامل یک سلسله واقعات متنوع و ۱۲ مجرای افغانستان
 بادول خارجه (از جمله انگلیس) و عصیان گران داخله (مثلا نورستان) است خود اندک
 به بسیاری از حقایق و دقائق تاریخی و چگونگی مجاریات افغانستان و طرز
 لشکر کشی، اوضاع فشنون، اندیشه و مفسکوره سیاسی زعمای قوم و امثال
 اینها شنائی پیدا میکند. مجاریات افغانستان و مطالب زیادی از مسایل متفرقه و رویداد
 های یک صدساله کشور همه باقید تاریخ درین فصل آورده شده است و علاوه بر این،
 مولف از ذکر حوادث کشورهای دیگر آسیائی و اروپائی هم فرومذاشت نکرده؛
 وقایع راجع بجاویدر ذیل سنوات هجری که سالهای میلادی نیز در برابر آن قید
 گردیده، ثبت و ضبط نموده است.

وی در قسمتی از مقدمه عین الوقایع بدینگونه افاده مرام مینماید:
 و... اگرچه تفصیل جنگها و وقایع افغانستان بعد از زمان خلافت بنی عباس
 مرتب درجائی ذکر نشده ولی رویداد فتنه درین مملکت بیشتر از سایر نقاط عالم
 بود. که از هر عهد آن مختصری در کتب متفرقه اهل تواریخ بیان فرموده اند و مورخین
 بی اطلاع نیستند، گویا بواسطه هرج و مرج مکرر و اغتشاش بیش از تصور، اهل
 تواریخ به تحقیق و تفصیل نه پرداخته اند خصوص از زمان چنگیز خان که افغانستان را
 دایم الا شوب و مصدر ا ل فتنه دانسته اند و اوقات درستی صرف تاریخ و تفصیل
 وقایع آن ننموده اند. مولف هم که بسیاری اتفاقات آنرا بخون دل ثبت و ضبط نموده لازم

تحریر در این کتاب مستطاب ندیده فقط بطور فهرست به مجملی از شرح دوازده محاربه عمده که خود یادآور است بادو تحقیق وقایع از زمان امارت مرحوم امیر شیرعلی خان اکتفا مینمایید. اینجلازم است محض آگاهی مطالعه کنندگان محترم برخی از رویداد هرات و انقراض سلطنت سدوزایی و نصب اولاد مرحوم پاینده خان بارکزی را بامارت افغانستان بیان نماید که موضوع و محمول مطلب معلوم باشد.

برای اینکه بنوشته ریاضی آشنائی بیشتر حاصل آمده و اهمیت کتاب آن خوبتر ظاهر گردد بنقل دو قضیه از دو قسمت عین الوقایع که در طی دو تاریخ متفاوت روی داده پرداخته میشود:

۱۲۹۲ هجری مطابق ۱۸۷۵ مسیحی - افغانستان - در این سال امیر شیرعلی خان خودش را ملقب به معین الدین و چهار وزیر با مورات لشکری و کشوری خود تعیین نمود که یکی از آنها ملقب بصدر اعظم در مهر خود نقش کرده بوده صدر اعظم افغانستان (۱) ، و نایب محمد علم خان والی ترکستان را به تسخیر میمنه فرمان داد و او با لشکری مرکب از هفت هزار نفر و چهار عراده توپ از شهر مزار عازم میمنه شد، از بنظر فحکم امیر شیرعلی خان بهرات رسید که سردار عبدالله خان ناصری نیز با استعدادی بامداد نایب محمد علم خان روانه میمنه شد لپذا سه فوج پیاده و دو هزار سوار و شش عراده توپ از هرات تحت ریاست سردار عبدالله خان متوجه میمنه شدند. امیر حسین خان والی رادر شهر میمنه محصور کردند، تا یکماه که بزور گلوله توپ رخنه ها در حصار افکند و برش بردند. شهر را بغلبه گرفتند و آنروز شش هزار نفر از اهالی میمنه و سپاه امیر شیرعلی خان بقتل رسید که دو تلیک از باغیان و یک تلیک از سپاه افغانه تلف شدند؛ امیر حسین خان والی را نیز محمد علم خان اسیر کرد و تحت الحفظ بسمت کابل نزد امیر شیرعلی خان فرستاد و سردار عبدالله خان را بحکومت میمنه منصوب نموده خود بطرف مزار و ترکستان از یک بر گشت.

(۱) سید در محمد شاه پشنگی صدر اعظم - میرزا حبیب الله خان مستوفی المالک - رستم خان

وزیر خزاین - میرزا حسن خان دبیر المالک .

۲۹۵ هجری مطابق ۱۸۷۸ مسیحی

افغانستان - فرما نفرمای هند بعضی تکالیف شاقه از طرف دولت انگلیس بامیر شیرعلی خان نمود که امیر مزبور و سایر بزرگان ملت افغانستان را هیچجا نآورد، جواب را بتاخیر انداخته و در ضمن امیر معظم الیه بز نرال کافمان روس نامه نوشته عهد اتصال داد نرال کافمان اظهارات اورا پذیرفت و قرارداد در همراهی بافغانستان بامر گز کل خود جواب و سوال نماید و قرار می دهد که کار مستحکم باشد لیکن برای اطمینان امیر شیرعلی خان حد و پنججاه سوار قزاق تحت ریاست پلکو نیکی مسلح و بانیکو ترین جامه های فرم دولت خود در ماه صیام بکابل فرستاد و هم شش فوج سالدات و بیست عراده توب در سرحد بلخ و بدخشان افغانستان مامور توقف نمود .

امیر شیرعلی خان قزاقهای روس را محترماً در کابل بمه رمضان پذیرفت اما بفرمانفرمای انگلیس اعتنائی نکرد، اینی مطلب باعث هیجان دولت انگلیس بملاحظه مخاطرات هندوستان شد در بار امنیت طرح مذاکرات عمد گردیده تامجدداً مراسله رسمی تهدید آمیزی از فرمانفرمای هندوستان بامیر شیرعلی خان رسید که اصرار در قبول تکالیف شاقه و ذات متبوعه خود نموده بود، امیر شیرعلی خان بر آشفته در محضر عام دشنامی بفرمانفرما و سلطنت انگلیس داد و در تدارک و تهیه جنگ پرداخت. درین وقت تمام سپاه افغانستان بکابل و قندهار و هرات و سایر سرحدات ترکستان پنججاه هزار بودند و اردوئی مرکب از هفت فوج پیاده و سواره و دوازده عراده توب از جلال آباد و ایلچی بلخ بکابل بقطعه علی مسجد سرحد تنگه خیبر مامور نمود . بسه فوج پیاده نظامی هم که باشش عراده توب بسرحد کرم و دره پیوار ساخلو داشت دستور العمل فرستاد که دره هارامحکم نگهدارند و از طرف انگلیس هر که از آن نواحی عبور نماید ممانعت کنند و ترتیب عساکر زیادی در کابل از همه جهت داده شد که بر ای مدافعه و مقابله با انگلیس حاضر باشند عبدالله جان و لیبهد امیر شیرعلی خان هم نیز درین روزها بکابل وفات یافت هم دران ایام امیر شیرعلی خان مجلسی در کابل تشکیل داد که دران مجلس پلکونیک روس و ایلچی انگلیس با منشی بختیار هندی که از طرف فرمانفرمای هندوستان آمده بودند حضور داشتند، ایلچی انگلیس رسماً ادعای حقوق و مداخله دولت

انگلیس را در مازة افغانستان می نمود و میگفت دولت روس حق مداخله در این مملکت ندارد و صاحب منصب روس بر آشفته شمشیر کشید که در آن مجلس ایلچی انگلیس را بکشد امیر شیر علی خان این حرکت صاحب منصب جنگی روس را پسندیده دال به قوه روس و ضعف انگلیس دانست و شفاهاً بایلچی انگلیس گفت که تا حالا در میان روس و انگلیس من متحیر بودم اینطور مجلسی میخواستم که بینم هر کدام قوت و قدرتش از ایند و دولت بیشتر است با دولت دوست و متحد باشیم اکنون دیدم فرستاده روس بر شما غلبه دارد منم با روس متحد میشوم و بدولت انگلیس سر (و) کاری ندارم. ایلچی انگلیس بعد ازین مجلس با کمال یاس روانه هندوستان شد.

در همین سال بین افغانستان و انگلیس در نقطه علی مسجد جنگی واقع شد که ریاضی آنرا بنام (محاربه اول) از ۱۲ محاربه افغانستان در کتاب خود بتفصیل شرح داده است.

۴ - دفتر دانش - حاوی تجارب مولف از سیر و سفر و دیدن خشک و تر و حوادث زندگی و رهنمائی هائی در آن باره و ذکر بعضی از مطالب متفرقه و اطلاعات متنوعه که در بسیاری از موارد بر سیل پیشینگان، مطالب بنظم آورده شده است.

۵ - پرسش و پاسخ - جواب و سوا الهای مولف با بعضی از معارف و رجال

معروف در موارد مختلف. نگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۶ - فیض روحانی - مشتمل بر غزلیات ریاضی. ریاضی اشعار زیادی گفته است که غزلیات و رباعیات و تخمیسات و هرائی آن در بخش های شش و هفت و هشت و نه کتاب بحر الفواید بنام های (فیض روحانی)، (منبع البکاء) و (تخمیسات) و (رباعیات) آمده و مقدار دیگری هم که بمناسبت هائی سروده شده بصورت متفرقه در بخشهای دیگر وارد شد است. اشعار ریاضی و بهمرفته متوسط بوده از لحاظ پرورش مطالب و تعبیرات شاعرانه و زیبایی قالب دارای ارزش چندانی نیست راز همین جاست که جائی در تاریخ ادب کشور نیافته است با این وصف از انصاف دور است که او را از ردیف شاعران دررداشته باشیم. اشعار ز بر میتوانند معیار ری از با به شاعری ریاضی بدست بدهد :

یار من جلوۀ ببری دارد
لیک افسوس کز تکبر حسن
ماه و خورشید و زهره را بکسر
تار موئی ز زلف مشکینش
با مه و مهر همسری دارد
رسم و راه ستمگری دارد
برخ خوشی مشتزی دارد
بد و عالم بر ابری دارد

* * *

بدو بند و وفا آموختم اما نشد راغب
چو از شمیر کج فتح جهانی میتوان کردن
بجز خالی که آنش کردهن بر کنج لب دارد
که سودی نیست از درس معلم طفل بدخورا
بر خسارش از آن پیوسته دارد تیغ ابرورا
که دیده بر لب آب بقابنشسته هندورا

محر که شد چمن رشک ختن از نکبت عنبر

مگر باد شما لش زد بهم زلف سمن بورا

* * *

شراب کهنه و محبوب تازه می جویم
مه در هفته من چهره از حجاب بر آر
مرا چه سود ز سودای عشق در پیری
که این دو چیز بفتوای شیخ و شاپ خوش است
که ماه چارده راروی بی سحاب خوش است
که این معامله در عالم شهاب خوش است

* * *

وصال یار که اندر زمانه جا نکند داشت
رفیق را بر قیابان زشت و او میکند آر
۷ - منبع البکاء - اشعاری در مرانی و تخمیس دو ازده بند معروف محتشم .
چرا بخانه عشاق خویش پا نکند داشت ؟
چرا غم عمر کسی در ره صبا نکند داشت

رتال جامع علوم انسانی

۸ - رباعیات

۹ - تخمیسات

۱۰ - بریشان - متضمن مطالب پراگنده و متنوع

۱۱ - اوضاع البلاد - مشتمل بر شناسائی چند شهر از معالک مختلف

۱۲ - خاتمه - شرحی راجع به معاربات روس و ژاپن

گرچه از خلال نوشته های ریاضی چنین استنباط میشود که وی علاوه بر این کتاب، آثار دیگری هم از نظم و نثر داشته است ولی در حال حاضر با استثنای کتاب مورد بحث اثر دیگری از او در دست نیست. تاریخ وفات ریاضی نیز روشن نمیشود که در کجا و در چه تاریخی درگذشته است. پایان